



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۳/۲۹

م. نگارگر

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد
وای اگر از پی امروز بُود فردایی

قتل عام یک اقلیت بی گناه دینی در لاهور پاکستان

دیروز شام یعنی همان که ما شام غریبانش میخوانیم و شام غریبان از این جهت که هر مسلمان در شام باید به حال دیگران فکر کند یعنی که این بیچاره و بی کس شب چه می خورد، در کجا می خوابد و من اگر توانایی دارم چه گونه میتوانم او را بدون رحم و ارفاق به حال خودش رها کنم؟ و این از آن جهت که خداوند در کلام خود پیامبر اکرم (ص) رحمت بر عالمیان خواند و هنگامی که از همسرش عایشه صدیقه (رض) در باره اخلاقیات پرسیدند پاسخ داد.

"او خودش قرآن زنده بود" یعنی اخلاقیات هیچ اختلافی با دستور های کلام الله نداشت که باید هم نمی داشت زیرا که خدای بزرگ او را برای بشر اسوه حسنه (نمونه نیک) فرستاده بود و معنایش اینکه هر مسلمان هنگامی که دست به عملی می برد باید از خود بپرسد: (آیا محمد (ص) نیز این عمل را که من انجام می دهم انجام میداد؟ اگر انجام نمی داد پس او اسوه حسنه من به همین دلیل است که من از او سرمشق بگیرم. متأسفانه امروز که مسلمانان بیش از هر وقت دیگر بدین اسوه حسنه نیاز دارند او را همانند کلام خدا در دستمال های رنگین پیچیده اند و در تاق بالا نهاده اند و اگر گاهی به یاد او می افتند به خاطر جنگ و خشونت با دیگران است (یعنی آنچه که او با اغماض از آن گذشت می کرد) نه برای اینکه خود از محمد (ص) چیزی بیاموزند.

دیروز شام که به اصطلاح عیسویان یکشنبه ایستر بود و عیسویان آنرا یک روز مذهبی می دانند و در آن روز به یاد حضرت مسیح می افتند و حتی پاپ مقام بلند مذهبی خود را از یاد می برد و در روز جمعه صلیبوت با تواضع پاهای مهاجران دل شکسته را می شوید و می بوسد پیروان محمد (ص) می روند و در لاهور عیسویان بیچاره و بی گناه را با کودکان معصوم شان به کام مرگ می فرستند بنا بر این تعجب نکنید وقتی در اروپا و آمریکا به سراغ کتابخانه می روید و می خواهید در باره اسلام کتابی پیدا کنید به عنوان های از این دست بر میخورید:

"تروریسم، خشونت بر ضد زنان، جنگ های داخلی و غیره"

آیا به راستی همین است میراث محمد (ص)

"از پدرم در باره شیوه عمل جدم پرسیدم و پدرم پاسخ داد:

"پیامبر خدا(ص) همیشه خوشحال بود و با مردم برخوردی توأم با تواضع داشت. همیشه نشانی از این شادمانی فطری به صورت تبسمی بر لبانش بود، طبیعتی نرم داشت و هنگامی که مردم به تأیید او ضرورت داشتند به آسانی رضایت خود را نشان میداد و هرگز با الفاظ خشن صحبت نمی کرد و هرگز سنگدل نبود. در جریان صحبت بر طرف خود

چیغ نمی زد و حرفی برخلاف ادب نمی گفت. در باره تقصیر و کوتاهی دیگران کنجکاو نمی کرد و در ستایش یا شوخی با دیگران هرگز زیاده روی نمی کرد. بخیل نبود و از زبان قبیح خود داری می فرمود. اگر با سخن کسی موافق نبود دل آن شخص را نمی شکست. به کسی وعده دروغ نمی داد و از سه چیز کاملاً اجتناب می ورزید: جر و بحث، غرور و سخن بی معنی."

(رجوع کنید به کتاب یادگار های محمد به زبان انگلیسی نوشته امید صافی پروفیسر مطالعات اسلامی در پوهنتون کارولینای شمالی)

آیا میتوان پذیرفت که پیروان پیامبری (ص) که به عیسویان نجران اجازه داد که در مسجد نبوی عبادت کنند تا بدانجا سنگدل شوند که در روز مذهبی عیسویان بروند و مرد و زن و اطفال معصوم شان را طعمه این گونه سنگدلی کنند؟ از این دو عمل کدام یک نمودار حسن اخلاق است پایی که به خاطر زنده کردن خاطره حضرت مسیح طبق اعتقاد خود می رود و پاهای مهاجران دل شکسته و بی وطن را می شوید و بر پاهای شان بوسه می زند و یا رهبر یا رهبران مذهبی که بی رحمانه می روند و مردمی را که حکم ذمی را دارند و تحت حمایت یک دولت اسلامی استند قتل عام می نمایند و هرگز فکر نمی کنند که با این عمل آبروی اسلام و مسلمانان را می برند. به حساب فقه حنفی آن مسلمان که یکی از اهل ذمه را ناحق می کشد باید به جرم قتل قصاص شود. معنای گشتار بی رحمانه هفتاد عیسوی در لاهور بیانگر این حقیقت تلخ است که در "خلافت" اینان جایی برای اقلیت های دینی وجود ندارد. امیدوارم برای آبروی اسلام و مسلمانان دولت پاکستان در این مورد با قاطعیت عمل و آزادی دین و مذهب را برای اقلیت های دینی، مذهبی و قومی تأمین و این لکه ننگ را از دامان اسلام و مسلمین پاک نماید.

و الله اعلم بالصواب

برمنگهم - دوشنبه ۲۸ مارچ ۲۰۱۶ مطابق ۹ حمل ۱۳۹۵ هـ

نگارگر

